



درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی ما یکره علی الجنب

موضوع جزئی: الأول: الأكل و الشرب

سال تحصیلی: ۱۴۰۰-۱۳۹۹

تاریخ: ۱۱ خرداد ۱۴۰۰

مصادف با: ۲۰ شوال ۱۴۴۲

جلسه: ۱۰۰

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

**فصل فی ما یکره علی الجنب و هی أمور؛**

الأول: الأكل و الشرب و یرتفع کراهتهما بالوضوء أو غسل الیدین و المضمضة و الاستنشاق أو غسل الیدین فقط؛

الثانی: قراءة ما زاد علی سبع آیات من القرآن ما عدا العزائم و قراءة ما زاد علی السبعین أشد کراهة؛

الثالث: مسح ما عدا خطّ المصحف من الجلد و الأوراق و الحواشی و ما بین السطور؛

الرابع: النوم إلا أن يتوضأ أو یتیمم إن لم یکن له الماء بدلًا عن الغسل؛

الخامس: الخضاب، رجلًا کان أو امرأة و کذا یکره للمختضب قبل أن یأخذ اللون إجناب نفسه؛

السادس: التدهین؛

السابع: الجماع إذا کان جنابته بالاحتلام؛

الثامن: حمل المصحف؛

التاسع: تعليق المصحف<sup>۱</sup>.

**نکته:** در این بحث اجمالی از چیزهایی که بر جنب مکروه است، ذکر می شود و تفصیل این بحث در جلد چهارم شرح عروة الوثقی که مرحوم آقا شیخ مرتضی حائری (ره) نوشته است، آمده است.

اولین مورد از مواردی که بر جنب مکروه است، خوردن و آشامیدن است. البته کراهت خوردن و آشامیدن با حالت جنابت، با وضو گرفتن یا شستن دو دست و مضمضه (آب در دهان گرداندن) و استنشاق (آب در بینی گرداندن) یا شستن دو دست به تنهایی برطرف می شود؛

دومین مورد، خواندن بیشتر از هفت آیه از آیات قرآن، غیر از آیات سجده دار [که سجده واجب دارند و خواندن آنها حرام است،] می باشد و خواندن بیشتر از هفتاد آیه از کراهت شدیدتری برخوردار است؛

سومین مورد، مسح غیر از خط قرآن [که مسح آن بر جنب حرام است]؛ از جلد، ورقه ها، حواشی و ما بین سطور است؛ چهارمین مورد، خواب است، مگر اینکه شخص جنب وضو بگیرد یا اگر آب در اختیار نداشته باشد، تیمم بدل از غسل انجام بدهد؛ پنجمین مورد، خضاب کردن است و فرقی نمی کند که خضاب کننده مرد باشد یا زن باشد و همچنین، مکروه است که خضاب کننده، قبل از اینکه محل خضاب رنگ بگیرد، خودش را جنب کند؛

ششمین مورد، روغن مالی است؛

هفتمین مورد، جماع است، در صورتی که جنابت آن شخص از راه احتلام باشد؛

۱. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۹۲.

هشتمین مورد، حمل و جابجا کردن قرآن است؛

نهمین مورد، تعلیق زدن بر قرآن یا معلق قرار دادن قرآن است.

روایاتی در رابطه با امور مذکور، وارد شده‌اند که مرحوم شیخ حر عاملی (ره) در کتاب وسائل الشیعة، جلد اول، کتاب الطهارة، ابواب یازده، دوازده، نوزده، بیست و یکم و بیست و پنجم از ابواب جنابت و همچنین، جلد چهارم، کتاب الصلاة، باب ۴۷ از ابواب قراءه قرآن به این روایات اشاره کرده است.

البته اگر اجتناب از روی کراهت از بعضی از موارد مذکور، از باب قصد ورود باشد، یعنی گفته شود که شارع، به کراهت در این موارد حکم کرده است، گفته می‌شود که چنین اسنادی مشکل است چون نص معتبری وارد نشده است که بتوان روی آن حساب کرد و بعضی از مواردی که مرحوم سید (ره) آنها را برطرف کننده کراهت دانسته است نیز در نص و روایت معتبری نیامده است. مرحوم صاحب جواهر (ره) در رابطه با کراهت اکل و شرب فرموده است: «بلا خلاف أجده بين الطائفة، بل في الغنية الإجماع عليه و نسبه في التذكرة إلى علمائنا و ما في الفقيه و الهداية من التعبير عن ذلك بلفظ (لا يجوز) محمول على الكراهة كما يشعر به تعليلهما بمخافة البرص و كذا ما في المقنع من النهي عن الأكل و الشرب للتعليل المذكور»<sup>۱</sup>.

ایشان فرموده است که خلافتی در کراهت اکل و شرب بر جنب، بین طایفه شیعه اثنی عشریه نیست، بلکه در غنیه بر این مطلب ادعای اجماع شده است و مرحوم علامه (ره) نیز در تذکره این مطلب را به علمای شیعه نسبت داده است و آنچه با تعبیر «لا يجوز» در فقیه و هدایه آمده است، بر کراهت حمل می‌شود، کما اینکه تعلیلشان به خوف برص، بر کراهت دلالت می‌کند [، چون در بعضی از روایات آمده است که اکل و شرب؛ با حالت جنابت، خوف برص و پیسی را در پی دارد] و همچنین، آنچه که از نهی از اکل و شرب به خاطر تعلیل مذکور، در مقنع آمده است.

دلیل اصلی کراهت اکل و شرب، روایاتی از جمله روایات ذیل‌اند؛

روایت اول: صحیحہ حلبی: عَنْ عُيَيْنَةَ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ (ع)؛ قَالَ: «إِذَا كَانَ الرَّجُلُ جُنْبًا لَمْ يَأْكُلْ وَ لَمْ يَشْرَبْ حَتَّى يَتَوَضَّأَ»<sup>۲</sup>.

روایت دوم: عَنْ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي حَدِيثٍ؛ قَالَ: «لَا يَذُوقُ الْجُنْبُ شَيْئًا حَتَّى يَغْسِلَ يَدَيْهِ وَ يَتَمَضَّمُ فَإِنَّهُ يُخَافُ مِنْهُ الْوَضْحُ»<sup>۳</sup>.

«وَضَح» کنایه از برص و پیسی است.

روایت سوم: عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) فِي حَدِيثِ الْمَنَاهِي؛ قَالَ: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنِ الْأَكْلِ عَلَى الْجَنَابَةِ» وَ قَالَ: «إِنَّهُ يُورِثُ الْفَقْرَ»<sup>۴</sup>.

روایت چهارم: عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي حَدِيثٍ؛ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): أَيْ يَأْكُلُ الْجُنْبُ قَبْلَ أَنْ يَتَوَضَّأَ؟ قَالَ: «إِنَّا لَنَكْسِلُ وَ لَكِنْ لِيَغْسِلَ يَدَهُ فَالْوَضُوءُ أَفْضَلُ»<sup>۵</sup>.

۱. محمد حسن، نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۳، ص ۶۴.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، کتاب الطهارة، ابواب الجنابة، باب ۲۰، ص ۲۱۹، ح ۴.

۳. همان، ح ۲.

۴. همان، ح ۵.

۵. همان، ص ۲۲۰، ح ۷.

## فصل فی احکامه غسل الجنابة

غسل الجنابة مستحب نفسی و واجب غیری للغایات الواجبة و مستحب غیری للغایات المستحبة و القول بوجوده النفسی ضعیف...<sup>۱</sup>. مرحوم سید (ره) نوشته است که غسل جنابت، مستحب نفسی است و برای غایات واجب [، مثل نماز]، جنبه واجب غیری پیدا می‌کند و برای غایات مستحب [، مثل نوافل]، جنبه استحباب غیری پیدا می‌کند و قول به وجوب نفسی غسل جنابت، ضعیف است. بحثی در محبوبیت غسل جنابت در شرع مقدس اسلام نیست. خداوند متعال فرموده است: «...إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»<sup>۲</sup>؛ خداوند متعال توبه‌کنندگان و متطهرین را دوست می‌دارد. بنابراین، غسل جنابت نزد خداوند متعال محبوب است و دلیل این محبوبیت، این است که غسل جنابت، طهارت محسوب می‌شود و کسی که غسل جنابت انجام می‌دهد، متطهر و پاکیزه می‌شود.

تنها بحثی که وجود دارد این است که آیا غسل جنابت، محبوبیت نفسی دارد یا محبوبیت غیری دارد؟ معروف و مشهور این است که غسل جنابت، واجب غیری است، لکن مرحوم ابن حمزه (ره) از متقدمین، مرحوم علامه (ره) از متوسطین، مرحوم اردبیلی (ره)، مرحوم صاحب مدارک (ره) و مرحوم صاحب ذخیره (ره) از متأخرین مخالف این سخن می‌باشند. بحث مفصل در این رابطه، ان شاء الله، در جلسه آینده بیان خواهد شد.

«الحمد لله رب العالمين»

۱. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۹۳.

۲. «البقرة»: ۲۲۲.